

به نام خدا

ساده ساز آیین دادرسی کیفری

(منبعی جامع جهت آمادگی آزمونهای وکالت، قضاوت، ارشد و دکتری)
ارائه مواد قانونی بصورت تطبیقی

به انضمام قوانین خاص مرتبط و آرای وحدت رویه کیفری

مؤلف:

اعظم عزیزی

(عضو مرکز وکلا)

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۲

سرشناسه: عزیزی، اعظم، ۱۳۴۲-

عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام

Iran. Laws, etc

عنوان و نام پدیدآور: ساده‌ساز آیین دادرسی کیفری: منبعی جامع جهت آمادگی آزمونهای وکالت و قضاوت (ارشد و دکتری).../مؤلف اعظم عزیزی.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۷۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۰۵۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: آیین دادرسی جزایی -- ایران -- تفسیر و استنباط

Criminal procedure -- Iran -- Interpretation and constructon

رده بندی کنگره: KMH۱۶۵۰

رده بندی دیویی: ۳۴۵/۵۵۰۵

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۶۱۴۰۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: ساده‌ساز آیین دادرسی کیفری

مؤلف: اعظم عزیزی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: مدیران

قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۰۵۹-۳

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱.....	بخش اول: کلیات.....
۱۳.....	مراحل آیین دادرسی کیفری
۱۳.....	اصول دادرسی منصفانه
۱۴.....	۱- اصل بی طرفی و استقلال مقام قضایی
۱۴.....	۲- اصل سریع بودن فرایند دادرسی
۱۴.....	۳- اصل برائت و حفظ کرامت و حیثیت اشخاص
۱۴.....	۴- اصل تفهیم اتهام به متهم
۱۵.....	۵- اصل ترافعی بودن دادرسی
۱۷.....	بخش دوم : دعوی خصوصی.....
۱۷.....	حیثیت عمومی و حیثیت خصوصی
۱۸.....	تفاوت بزه دیده، شاکی و مدعی خصوصی
۲۰.....	انواع ضرر و زیان قابل مطالبه
۲۱.....	شرایط طرح دعوای خصوصی
۲۱.....	مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم
۲۴.....	دعوای خصوصی در دادگاه نظامی
۲۷.....	بخش سوم: دعوای عمومی.....
۲۷.....	فصل اول: مرحله کشف جرم.....

۲۸.....	ضابطان دادگستری و وظایف آنان
۳۰.....	وظایف ضابطان دادگستری.....
۳۴.....	شرط اعتبار گزارش ضابطان دادگستری:.....
۳۴.....	حقوق بزه‌دیده در مرحله کشف جرم
۳۵.....	آگاه‌کردن شاکی از حقوق خود.....
۳۵.....	حقوق متهم در مرحله کشف جرم توسط ضابطان
۳۹.....	ممنوعیت‌های ضابط دادگستری
۴۱.....	وظایف و اختیارات دادستان
۴۳.....	فصل دوم: مرحله تعقیب متهم
۴۳.....	انواع دادرسی
۴۴.....	وظایف دادرسی عمومی و انقلاب.....
۴۷.....	وظایف دادستان کل
۵۱.....	مقامات دادرسی
۵۵.....	مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس
۵۶.....	نهاد تعقیب
۶۲.....	سازمان‌های مردم نهاد
۶۵.....	موانع تعقیب دعوی عمومی
۶۹.....	عوامل سقوط دعوای عمومی
۷۳.....	فصل سوم: وظایف و اختیارات بازپرس

مبحث اول: مرحله تحقیقات مقدماتی	۷۳
مبحث دوم: صلاحیت بازپرس	۷۹
مبحث سوم: وکیل در آیین دادرسی کیفری	۹۲
فصل چهارم: احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان	۹۹
مبحث اول: احضار، جلب و تحقیق از متهم	۹۹
مبحث دوم: احضار و تحقیق از شهود و مطلعان	۱۱۰
فصل پنجم: قرار معاینه محلی، تحقیقات محلی، بازرسی و کارشناسی	۱۱۶
اعضای بررسی صحنه جرم	۱۱۷
قرار تفتیش و بازرسی	۱۱۷
جبران خسارت ناشی از تفتیش به عنف	۱۱۹
مقامات ماده ۳۰۷	۱۲۰
مقامات ماده : ۳۰۸	۱۲۰
شنود مکالمات تلفنی و تفتیش ایمیل، چت و	۱۲۱
تفتیش حساب بانکی	۱۲۱
قرار ارجاع امر به کارشناسی	۱۲۴
فصل ششم: قرارهای تامین کیفری و نظارت قضائی	۱۲۶
اعتراض به تشدید یا تخفیف تامین	۱۳۰
ضمانت اجرای قرارهای وجه التزام، کفالت و وثیقه	۱۳۳
جهات اعتراض به دستور ضبط وثیقه یا وجه الكفاله و وجه التزام	۱۳۵

۱۳۸.....	بازداشت موقت
۱۴۱.....	مرتفع شدن علت بازداشت
۱۴۳.....	بازداشت موقت در دادسرا و دادگاه نظامی
۱۴۳.....	اعتراض به قرار بازداشت موقت
۱۴۴.....	لزوم جبران خسارت بازداشت شده بیگناه
۱۴۵.....	محاسبه ایام بازداشت در تعیین مجازات
۱۴۵.....	قرار نظارت قضائی
۱۴۶.....	مرجع اعتراض به قرار نظارت قضائی
۱۴۶.....	وجوه افتراق قرار منع خروج از کشور و دستور منع خروج از کشور
۱۴۷.....	لغو قرار تأمین یا نظارت قضائی
۱۴۸.....	تخلف از مفاد نظارت قضائی
۱۴۸.....	فصل هفتم: خاتمه تحقیقات مقدماتی:
۱۵۰.....	لزوم موافقت دادستان
۱۵۲.....	صدور کیفرخواست
۱۵۳.....	عدول از کیفرخواست
۱۵۴.....	کیفرخواست شفاهی
۱۵۷.....	بخش چهارم: صلاحیت دادگاههای کیفری
۱۵۸.....	جهت رد دادرس:
۱۶۰.....	رد دادرس دادگاه با تعدد قاضی

انواع صلاحیت	۱۶۱
صلاحیت ذاتی	۱۶۱
صلاحیت شخصی	۱۶۲
تعدد متهم	۱۶۷
احاله	۱۶۹
تشریفات احاله	۱۶۹
بخش پنجم: دادگاه های کیفری	۱۷۱
فصل اول : تشکیلات محاکم و صلاحیت ها	۱۷۱
دادگاه کیفری دو	۱۷۱
دادگاه کیفری یک	۱۷۲
صلاحیت دادگاه انقلاب	۱۷۳
صلاحیت دادرسی و دادگاه نظامی	۱۷۶
انواع دادگاه های نظامی	۱۷۷
صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان	۱۷۹
رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان	۱۸۱
ابلاغ آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان	۱۸۳
حل اختلاف در صلاحیت مراجع کیفری	۱۸۴
فصل دوم : رسیدگی در دادگاه های کیفری	۱۸۶
مبحث اول : شروع به رسیدگی	۱۸۶

۱۹۰	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۱۹۲	فصل سوم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک
۱۹۲	مبحث اول: مقدمات رسیدگی
۱۹۵	مبحث دوم: صدور رای
۱۹۷	فصل چهارم: رای غیابی و واخواهی
۱۹۷	ملاک حضوری بودن رای دادگاه
۱۹۸	مهلت واخواهی
۲۰۱	بخش ششم: تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی
۲۰۱	فصل اول: تجدید نظر خواهی
۲۰۳	مرجع اعتراض به آراء کیفری:
۲۰۶	جهات تجدید نظر خواهی
۲۱۰	فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان
۲۱۶	فصل سوم: کیفیت رسیدگی در دیوان عالی کشور
۲۱۶	رسیدگی در دیوان عالی کشور
۲۱۷	صدور رأی وحدت رویه در دیوان عالی کشور
۲۱۹	فصل چهارم: اعاده دادرسی
۲۱۹	جهات اعاده دادرسی عام
۲۲۱	اعاده دادرسی خاص
۲۲۵	بخش هفتم: اجرای احکام کیفری

۲۲۵ فصل اول: کلیات
۲۲۶ وظایف قاضی اجرای احکام کیفری
۲۲۸ موارد تعویق اجرای مجازات
۲۲۹ نحوه اجرای تعدد جرایم
۲۳۰ نحوه اجرای تکرار جرم
۲۳۲ فصل دوم: اجرای احکام حبس
۲۳۷ فصل سوم: اجرای محکومیت های مالی
 فصل چهارم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت الکترونیکی
۲۴۱
۲۴۵ بخش هشتم: هزینه دادرسی
۲۴۷ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی
۲۵۷ قانون تشدید مجازات اسید پاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن
۲۶۰ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم
۲۶۸ قانون جرم سیاسی

بخش اول: کلیات

تعریف آیین دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که مربوط می شود به ۱- کشف جرم ۲- تعقیب متهم ۳- تحقیقات مقدماتی ۴- میانجیگری و صلح میان طرفین ۵- نحوه رسیدگی و صدور رأی و طرق اعتراض به آراء ۶- اجرای آرا ۷- تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری ۸- رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه.

نکته: در این تعریف به قواعد صلاحیت مراجع کیفری و قواعد ادله اثبات دعوی کیفری اشاره نشده است.

رابطه آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی

با جمع سه شرط می توان از مقررات آیین دادرسی مدنی در آیین دادرسی کیفری استفاده کرد:

۱- آیین دادرسی کیفری ساکت باشد

۲- آیین دادرسی مدنی مغایر اصول مسلم دادرسی نباشد.

۳- مقررات آیین دادرسی مدنی کلی و عام الشمول باشد

۴- اجرای توقیف اموال مرتکب

۵- رفع تصرف عدوانی تابع اجرای احکام مدنی است.

نکته: در چند مورد مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً ما را به قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع داده است. مانند:

۱- مقررات ناظر بر ابلاغ اوراق قضایی

۲- مقررات ناظر بر حل اختلاف در صلاحیت مراجع کیفری

۳- تشریفات رسیدگی به دعوی خصوصی

منابع آیین دادرسی کیفری

منابع حقوق کیفری دو قسم است: ۱- منابع اصلی ۲- منابع فرعی

۱- منابع اصلی:

الف) قانون اعم از قوانین عادی و قانون اساسی

ب) معاهدات بین المللی در حکم قانون هستند

پ) آراء وحدت رویه یا رویه قضایی به معنای خاص

۲- منابع فرعی:

الف) عرف

ب) رویه قضایی به معنای عرف محاکم

پ) نظریه علمای حقوق

ت) منابع و فتاوی معتبر فقهی فرعی هستند مگر در حدودی که قانونگذار ما را به شرع ارجاع داده است.

مراحل آیین دادرسی کیفری

۱- مرحله کشف جرم (وظیفه ضابط داد گستری است)

۲- مرحله تعقب متهم (وظیفه دادستان است)

۳- مرحله تحقیقات مقدماتی (وظیفه قاضی تحقیق که اصولاً بازپرس است)

این سه مرحله اصولاً در دادگاه انجام می شود مگر مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می شود.

۴- مرحله دادرسی (دادگاه)

۵- مرحله اجرای رای (اصولاً در دادسرا صورت می گیرد مگر در حوزه قضایی بخش چون در حوزه قضایی بخش دادسرا نداریم خود دادگاه بخش حکم را اجرا می کند.

اصول دادرسی منصفانه

ماده ۲: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد (اصل قانونی بودن دادرسی)، حقوق طرفین دعوی را تضمین نماید و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می گیرند به صورت یکسان اعمال شود (اصل تساوی افراد در برابر قانون)

۱- اصل بی طرفی و استقلال مقام قضایی

ماده ۹۳: بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی ، تحقیقات را انجام بدهد و در کشف اوضاع و احوال که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.

۲- اصل سریع بودن فرایند دادرسی

ماده ۹۴: تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و بنحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست.

ماده ۹۵: بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحاء آثار و علایم جرم ، اقدامات فوری را بعمل آورد و در تحصیل و جمع آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.

۳- اصل برائت و حفظ کرامت و حیثیت اشخاص

ماده ۴: اصل بر برائت است . هر گونه اقدام محدود کننده ، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نماید.

۴- اصل تفهیم اتهام به متهم

متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی در قانون بهره مند شود.

اصل آگاهی متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط در پرونده از حقوق خود متهم ، بزه دیده ، شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازو کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

۵- اصل ترافیعی بودن دادرسی

رسیدگی در دادگاه بصورت ترافیعی بعمل می آید.

اصل: رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی

۱- تمام مقامات قضایی ۲- ضابطان دادگستری و سایر اشخاص دخیل در پرونده ملزم به رعایت این اصل می باشند.

تخلف از این اصل موجب: جبران خسارت ، دو ماه تا سه سال حبس ، انفصال از خدمت و یک تا پنج سال محرومیت از مشاغل حکومتی مگر اینکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

بخش دوم : دعوی خصوصی

حیثیت عمومی و حیثیت خصوصی

حیثیت عمومی جرایم مربوط است به نقض هنجارهای اجتماعی و تجاوز به حقوق جامعه و نقض احکام الهی.

حیثیت خصوصی جرایم مربوط است به تجاوز و تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین.

همه جرایم دارای حیثیت عمومی هستند برخی جرایم یا حیثیت خصوصی ندارند مثل ولگردی یا حیثیت خصوصی آنها کمتر از حیثیت عمومی آنهاست مثل سرقت مسلحانه یا آدم ربایی، به این جرایم ، جرایم دارای حیثیت عمومی یا جرایم غیر قابل گذشت گفته می شود.

این جرایم برای تعقیب نیاز به شکایت شاکی نداشته و در صورت شکایت و گذشت شاکی تعقیب موقوف نمی شود.

برخی جرایم نه تنها حیثیت خصوصی دارند بلکه حیثیت خصوصی آنها از حیثیت عمومی آنها بیشتر است مثل توهین. به این جرایم ، جرایم قابل گذشت گفته می شود.

تعقیب جرایم قابل گذشت منوط به شکایت شاکی می باشد و با گذشت شاکی تعقیب موقوف می شود.

اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم می باشد. قابل گذشت بودن نیاز به تصریح قانون دارد.

نکته: تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی به عهده دادستان می باشد.

درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی می باشد.

نکته: طبق ماده ۸ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ کلیه جرایم قابل گذشت و حصول جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت با تراضی طرفین اختلاف جهت صلح و سازش قابل طرح در شورای حل اختلاف می باشد.

همه جرایم می توانند منجر به طرح دو دعوی شوند: دعوی عمومی و دعوی خصوصی

نکته: هدف از دعوی عمومی مجازات مجرم به منظور اعاده نظم اجتماعی است.

دعوی خصوصی دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در مرجع کیفری یا مطالبه کیفرهایی که حق خصوصی بزه دیده است مانند قصاص و حد قذف

تفاوت بزه دیده، شاکی و مدعی خصوصی

بزه دیده شخصی است که از جرم مستقیماً متضرر شده است.

شاکی، بزه دیده یا قائم مقام وی که تعقیب متهم از جهت دعوی عمومی را درخواست می کند.

مدعی خصوصی همان شاکی است که علاوه بر تقاضای تعقیب متهم، جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را نیز از مرجع کیفری مطالبه می کند.

لذا هر مدعی خصوصی لزوماً شاکی است ولی هر شاکی لزوماً مدعی خصوصی نیست.

بزه دیده برای جبران خسارت ناشی از جرم دو انتخاب دارد:

۱- در دادگاه حقوقی اقدام به طرح دعوی حقوقی نماید

۲- یا در کنار شکایت کیفری در همان مرجع کیفری اقدام به طرح دعوی خصوصی نماید.

نکته: هر گاه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود دیگر قبل طرح در دادگاه کیفری نیست مگر مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی متوجه شود که موضوع دارای جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه نماید.

چنانچه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح شود و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود مدعی خصوصی می تواند با استرداد دعوی برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه نماید.

چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخت کرده باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

ماده ۱۷: دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز رأی مقتضی صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در اینصورت دادگاه رأی کیفری را صادر می کند و سپس به دعوی ضرر و زیان رسیدگی می کند.

ماده ۱۸: هر گاه رای کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می کند لازم الاتباع می باشد.

انواع ضرر و زیان قابل مطالبه

۱- ضرر و زیان مادی: مالی و جسمی

۲- منافع ممکن الحصول: منافع قطعی الحصول، منافی که از بین بردن آن صدق اتلاف نماید و منافی که مقتضی وجود آن ها حاصل شده است.

نکته: منافع محتمل الحصول (عدم النفع) قابل مطالبه نیست.

نکته: منافع ممکن الحصول و پرداخت خسارت معنوی در دیات و تعزیرات منصوص شرعی قابل مطالبه نیست.

ضرر و زیان معنوی: از طریق پرداخت خسارت مالی است، علاوه بر این می تواند از طرق دیگری از قبیل الزام به عذرخواهی و درج در جراید انجام شود.

در جرم اسیدپاشی به طور خاص: علاوه بر دیه، می توان هزینه های درمان را هم مطالبه کرد.

نکته: طبق ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسید پاشی:

در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت های مقرر در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ملزم به پرداخت هزینه های درمان بزه دیده می باشد. در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی کننده متمکن از پرداخت هزینه های درمان نباشد، هزینه های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می شود.

تبصره ۱: سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی کننده، به بزه دیدگان موضوع این قانون خدمات روان شناختی مددکاری و توان بخشی ارائه کند.

تبصره ۲: در مواردی که هزینه های موضوع این ماده و تبصره یک، از صندوق تأمین خسارت های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت می شود، صندوق یا سازمان بهزیستی می توانند برای دریافت هزینه های پرداخت شده به مرتکب رجوع کنند.

نکته: در شرکت در جرم، هر شریک به میزان سهم خود از جرم ضامن جبران خسارت است که اصل بر تساوی است. در هر حال مسئولیت شریک در جبران خسارت ناشی از جرم، مسئولیت تضامنی نیست.

شرایط طرح دعوی خصوصی

ماده ۱۵: پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می تواند با رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه تسلیم نماید. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی است.

مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم

۱- دعوی عمومی در مرحله بدوی در جریان باشد

۲- تقدیم دادخواست

۳- پرداخت هزینه دادرسی طبق امور حقوقی

۴- رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی

- نکته:** مهلت تقدیم دادخواست تا قبل از اعلام ختم دادرسی در دادگاه بدوی است.
- بنابراین در مرحله واخواهی و تجدیدنظرخواهی، مطالبه ضرر و زیان ممکن نیست.
- نکته:** در پرونده‌های کلاهبرداری، سرقت، تخریب، مطالبه دیه و ارش، تصرف عدوانی، اختلاس و استرداد عین مال موضوع جرم، مطالبه خسارت ناشی از جرم نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی ندارد.
- در جنایت غیرعمدی: مطالبه دیه و ارش نیاز به دادخواست جداگانه ندارد.
- در کلاهبرداری فقط رد مال نیاز به دادخواست ندارد، ولی مطالبه اجرت‌المثل دوران تصرف نیاز به تقدیم دادخواست دارد.
- نکته:** اگر تا قبل از اعلام ختم دادرسی دادخواست ضرر و زیان تقدیم نشود، حسب مورد به درخواست متهم از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود.
- نکته:** مهلت تقدیم دادخواست ضرر و زیان در فرض اعمال کیفرخواست شفاهی حداکثر ۵ روز از تاریخ تشکیل جلسه است.
- مطابق ماده ۸۶: تحت شرایط زیر دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس دعوی کیفری را بلافاصله و بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی در دادگاه کیفری دو مطرح نماید:
- ۱- جرم از جمله جرائم موضوع ماده ۳۰۲ نباشد (جرائم با مجازات‌های سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو، جنایات عمدی موجب نصف دیه کامل یا بیش از آن، جرائم تعزیری درجه یک تا سه و جرائم سیاسی و مطبوعاتی

۲- متهم و شاکی هر دو حضور داشته باشند یا اینکه متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد

۳- تحقیقات کامل باشد

تحت شرایط مذکور، دادگاه مکلف است بدون تأخیر، تشکیل جلسه بدهد و همچنین مکلف است به متهم تفهیم کند که حق دارد برای تعیین و تدارک دفاع مهلت بخواهد؛ در صورتی که متهم چنین درخواستی داشته باشد حداقل سه روز به وی مهلت داده می‌شود. در صورتی که متهم از این حق خود استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه اول رسیدگی و رأی صادر می‌کند.

در صورتی که دادگاه ضمن رسیدگی، تحقیقاتی را لازم بداند، آن‌ها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابط دادگستری می‌دهد.

در مواردی که پرونده بدون کیفرخواست به صورت شفاهی در دادگاه مطرح می‌شود، اخذ تأمین کیفری مناسب با خود دادگاه است.

نکته: در صورتی که پرونده بدون کیفرخواست و به صورت شفاهی در دادگاه مطرح شود و شاکی وجود داشته باشد، وی می‌تواند ظرف ۵ روز دادخواست ضرر و زیان خود را تقدیم دادگاه نماید و دادگاه می‌تواند فارغ از امر کیفری، به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی مقتضی صادر نماید.

۴۱۶: وقتی افراد زیر ۱۸ سال مرتکب جرم می‌شوند، می‌توان از دادگاه اطفال ضرروزیان ناشی از جرم را مطالبه کرد و نیازی به حضور طفل نیست؛ مگر اینکه دادگاه لازم بداند.

نکته: طبق قانون خاص، در صورتی که بزه دیده زیر ۱۸ سال باشد، مطالبه ضرر و زیان نیازی به دادخواست ندارد.

دعوای خصوصی در دادگاه نظامی

ماده ۵۷۵: هرگاه بر اثر وقوع جرم ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مکلف است تا قبل از اعلام ختم دادرسی دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه نماید. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن مستلزم رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی است، اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

۱- در صورتی که ضرر و زیان به یگان‌های نیروهای مسلح وارد شود، یگان مکلف به طرح دعوی خصوصی است و در غیر این صورت ۳ ماه تا یک سال انفسال از خدمت دارد.

۲- تنها ضرر و زیان مادی قابل مطالبه است.

۳- تقدیم دادخواست باید تا قبل از اعلام ختم دادرسی صورت بگیرد، با رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی

۴- یگان نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد

۵- یگان حق طرح دعوی، دفاع، پیگیری، اعتراض و تجدیدنظرخواهی دارد، ولی حق گذشت ندارد

۶- دعوای اعسار از پرداخت ضرر و زیان باید به طرفیت یگان مطرح شود.

ماده ۵۷۶: رسیدگی به دعوی حقوقی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی است.

ماده ۶۳۱: چنانچه در اجرای مأموریت‌های نیروهای مسلح بر اثر تیراندازی یا غیر آن، شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول یا مجروح شوند یا خسارت مالی به آن‌ها وارد شود و قرار منع تعقیب مرتکب صادر شود، به تقاضای اولیاء دم یا متضرر: بدون تقدیم دادخواست، پرونده جهت پرداخت دیه و خسارت توسط سازمان متبوع به دادگاه نظامی ارسال می‌شود.

بخش سوم: دعوای عمومی

فصل اول: مرحله کشف جرم

به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاههای آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاههای نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می شود. دادرسی به ریاست دادستان تشکیل می شود و به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.

ماده ۲۵: به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادرسیهای تخصصی از قبیل دادرسی جرایم کارکنان دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسی شهرستان تشکیل می شود.

ماده ۲۶: انجام وظایف دادرسی در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند. مگر آن که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

نکته: مصداق جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، مقامات موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ است.

ماده ۲۷: دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستانها و مقامات دادرسی شهرستانهای آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آراء کیفری، نظارت و تعلیمات لازم را ارائه می نماید.

ضابطان دادگستری و وظایف آنان

ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و حفظ آثار و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می کنند.

ضابطان دادگستری به ضابط عام و خاص تقسیم می شوند.

ماده ۲۹: ضابطان دادگستری عبارتند از:

الف) ضابطان عام؛ شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی که آموزش لازم دیده باشند.

ب) ضابطان خاص؛ شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص، در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند.

سرباز وظیفه، ضابط محسوب نمی شود.

ضابطان خاص در هیچ جرمی حق دخالت ندارند، مگر اینکه قانون اجازه داده باشد.

برخی ضابطان خاص عبارتند از:

۱- رؤسا و معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط زندانیان در داخل زندان

۲- مأموران وزارت اطلاعات

در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، مقرر شده است که علاوه بر ضابط عام، وزارت اطلاعات و مأموران سازمان اطلاعات سپاه در جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

۳- مأموران سازمان اطلاعات سپاه

۴- مأموران مقاومت بسیج سپاه پاسداران

۵- سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آن‌ها محول شده است.

به عنوان مثال: اعضای سپاه پاسداران در خصوص جرائم خرابکاری، مقابله علیه نظام و خلع ید سلاح و مهمات غیرمجاز، ضابط محسوب می‌شوند.

ماده ۱۴۴: در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوطه استفاده کند که در این صورت نیروی نظامی زیر نظر مقام قضائی و در حکم ضابط دادگستری هستند.

ماده ۶۰۲: ضابطان نظامی، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم و ... و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

ماده ۶۰۵: در غیاب ضابطان نظامی در محل وقوع جرم، وظایف آن‌ها به وسیله ضابطان دادگستری انجام می‌شود و پس از حضور ضابط نظامی، ادامه تحقیقات به آن‌ها محول می‌شود؛ مگر اینکه مقام قضائی ترتیب دیگری اتخاذ نماید.

نکته: با جمع ۳ شرط بسیج می‌تواند ضابط باشد:

- ۱- در جرائم مشهود، در صورت عدم حضور ضابطین دیگر
 - ۲- عدم اقدام به موقع آن‌ها
 - ۳- اعلام نیاز ضابطان به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضائی
- احراز عنوان ضابط دادگستری منوط به ۴ شرط می‌باشد:

- ۱- وثاقت
 - ۲- مورد اعتماد بودن
 - ۳- گذراندن دوره‌های آموزشی
 - ۴- تحصیل کارت ویژه ضابطی دادگستری
- انجام تحقیقات از سوی اشخاص فاقد کارت ویژه ضابطی ممنوع است و اقدامات و تحقیقات صورت گرفته بی‌اعتبار است و موجب انفصال از ۳ ماه تا یک سال می‌باشد.

وظایف ضابطان دادگستری

وظایف ضابطان در جرائم مشهود و غیرمشهود، متفاوت است.

اصل بر غیر مشهود بودن جرائم است و مصادیق جرائم مشهود حصری می‌باشد.